

یادداشت

در مدار آینده



محمدحسین جهان‌پناه

روزنامه‌نگار

در اوایل سال میلادی جاری، شرکت نووا اسپیس پیش‌بینی کرد اقتصاد کسب‌وکارهای فضایی ظرف کمتر از ۱۰ سال آینده تقریباً دو برابر خواهد شد که یعنی از رقم کنونی آن که معادل ۵۹۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۴ میلادی بود، به حدود ۹۴۴ میلیارد دلار می‌رسد. رشدی که بخش عمده آن نه مستقیماً از توسعه کسب‌وکار شرکت‌های بزرگ‌تر فضایی، بلکه مدیون فعالیت شرکت‌های پایین‌دستی این حوزه یعنی همان شرکت‌هایی است که خدمات عمومی‌تری مثل تحلیل، پردازش داده‌های ماهواره‌ای و خدمات ناوبری و مخابراتی را برای طیف‌های متنوعی از مشتریان در حوزه‌های مختلف فراهم می‌کنند؛ از پایش کشاورزی، محیط زیست و مدیریت شهری بر پایه پایش تصاویر ماهواره‌ای تا سرویس‌های عمومی‌تری در حوزه ارتباطات مثل اینترنت ماهواره‌ای که حالا به لطف اسپیس‌ایکس در حال تبدیل‌شدن به یکی از بزرگ‌ترین حوزه‌های سرمایه‌گذاری در صنایع فضایی است.

بازاری که چه در بُعد بومی و ملی و چه در سطح بین‌المللی همچنان پر از فرصت‌های سرمایه‌گذاری و توسعه کسب‌وکارهای خلاق‌ی است که اگر فرصت را غنیمت شمارند، خیلی زود به سوددهی و ارزش آفرینی خواهند رسید.

حقیقت این است که بدون توجه به اینکه درباره کدام کشور یا قاره صحبت می‌کنیم، انتظار عمومی در توسعه صنعت تجاری فضایی کاهش نقش هرجه بیشتر دولت‌ها در قالب آژانس‌های فضایی و واگذاری هرجه بیشتر اینس حوزه حداقل در لایه‌های اقتصادی و غیرنظامی به شرکت‌های خصوصی است.

تجربه سال‌های اخیر در فضای بین‌المللی به خوبی نشان داده که شرکت‌های خصوصی در یک فضای رقابتی در لوای قوانین منصفانه، خیلی سریع توسعه‌های یافته و به دستاوردهای خوبی می‌رسند. طبیعتاً در بین نام‌های مشهور، اسپیس‌ایکس نمود بارز موفقیت شرکت‌های خصوصی است. صداالبته که زیرساخت، دسترسی‌های بین‌المللی و شرایط منطقه‌ای هم نقش مهمی در میزان موفقیت میدان‌دادن به بخش خصوصی در صنعت فضایی بازی می‌کند.

نباید فراموش کرد که صنعت فضایی در اصل یک چرخه صنعتی است که به ارکان سیاسی و اقتصادی مختلفی در سطح همکاری‌های بین‌المللی و محلی وابسته است؛ وابستگی‌ای که خود را در حجم جذب سرمایه و گسرش بازارهای هدف نشان می‌دهد.



عکس:عشق‌افشان/ایرنا

درواقع درحالی‌که بازیگران فنی برای توسعه سرویس‌های مختلف در حال صُف‌کشیدن هستند، لایه دیگری هم در این فضا در حال شکل‌گیری است: زیرساخت‌های مالی مخصوص فضا؛ بازیگران مالی که در تلاش هستند تا تراکنش‌ها، تأمین مالی ماهواره‌ها و حتی بازارهای ثانویه خدمات فضایی را روان‌تر کنند. این در حالی است که به‌جز کشورهایی با صنعت فضایی توسعه‌یافته مثل آمریکا، روسیه، چین یا کشورهای اروپایی که در قالب آژانس فضایی اروپا همکاری می‌کنند، سایر کشورها نیز بسته به توان سرمایه‌گذاری و ضریب نفوذ خود، در تلاش برای توسعه زیرساخت‌های دانش‌بنیان مناسب برای گرفتن سهمی از این بازار بزرگ هستند.

این «جهانی‌شدن فضا» دو سویه دارد؛ از یک سو توانمندسازی و دسترسی بیشتر به خدمات کاربردی برای کشورهای در حال توسعه و از سوی دیگر کشمکش‌ی نو بر سر قوانین و تقسیم منافع فضایی. رقابتی که در آن بازیگرانی که چابک‌تر باشند، قوانین آن را بازنویسی خواهند کرد.

در این میان، ایران اگرچه مسیر توسعه فضایی را در سال‌های اخیر خیلی سریع طی کرد، اما به خاطر فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی همچنان با محدودیت‌های بیش از پیش در یافتن شرکای بین‌المللی در حوزه‌های مختلف صنعت فضایی مواجه است. محدودیت‌هایی که مکانیسم ماشه حتی آنها را پررنگ‌تر نیز خواهد کرد. این محدودیت‌ها طیف گسترده‌ای از مشکلات، از دسترسی به برخی فناوری‌ها تا فقدان شرکای خارجی و همین‌طور کمبود سرمایه و محدودیت منابع مالی بازارهای هدف را پوشش می‌دهد.

با وجود همه این مشکلات، اگر به لایه‌های سرویس‌دهی اجازه نفس‌کشیدن داده شود، حتی بیشتر از صنایع بالادستی که معمولاً در مرکز توجه هستند، شانس توسعه با سرعتی معقول به نسبت محدودیت‌های کنونی را دارند. حرکت‌هایی که در ۱۰ سال گذشته شروع شده، بسته به شرایط اقتصادی کشور –که طبیعتاً تمامی صنایع خلاق و به‌اصطلاح های‌تک را تحت تأثیر قرار می‌دهد– به کار خود ادامه خواهد داد؛ هرچند با چالش‌های زیادی روبه‌رو است.

چالش‌هایی‌که اگر روزی روزگاری از میان برداشته شوند، در یک آینده ایدئال، با دخیل‌شدن هلدینگ‌های بزرگ و جذب سرمایه خارجی، مسیر توسعه این حوزه سرعت و ثادوم می‌یابد. با این همه، نباید فراموش کرد که پیشرفت‌های فضایی تنها در توسعه پرتابگرهای فضایی با ساخت و پرتاب ماهواره‌های بومی خلاصه نمی‌شود؛ پیشرفت باید در تمامی سطوح و سراسر چرخه صنعتی فضا رخ دهد تا هم پیشرفت واقعی حاصل شود و هم آینده‌ای که اقتصاد فضایی پویا پیشران آن است، دیگر تنها رؤیایی دور از دسترس نباشد.

این تمام ماجرای خسارت‌دیدگان با شهرداری منطقه یک نیست: «شهرداری منطقه یک ما را خیلی اذیت می‌کند. حتی یک بار یکی از مالکان توانست آنها را راضی کند که خودش سازنده بیآورد، مسئولان

شهرداری موافقت کردند، اما در نهایت گفتند از ۵۰ درصد تراکم، فقط نصف آن را رایگان به شما می‌دهیم، باقی را باید خودتان هزینه کنید. این در حالی است که ما وقتی به شورای شهر رفقیم و مسئله خودمان را بیان کردیم گفتند شهرداری اشتباه کرده و باید تمام هزینه تراکم را پرداخت کند». «خانم توکلی» می‌گوید که شهرداری پول ودیعه مسکن را با چک یک‌ساله صیادی و ضمانت‌نامه محضری به آنها داده است: «به ما با یک تأخیر دوماهه، ودیعه مسکن دادند و گفتند باید در یک سال پول را برگردانید. اما در این باره نیز شورای شهر گفت تا وقتی خانه‌تان را تحویل نداده‌اند، نباید پول را برگردانید. با این چک‌ها و تعهداتی که دادیم شهرداری مطمئن می‌خواهد پول را زودتر از ما بگیرد». درباره وسایل خانه نیز به آنها جز یک کارت اعتباری ۲۵۰ میلیون تومانی چیزی نداده‌اند؛ کارت اعتباری که باید فقط برای خرید وسایل از برندهای درجه دو و سه ایرانی استفاده شود؛ «در فروشگاه شهروند فقط محصولات محدود از برندهای کمترشناخته‌شده داخلی قرار دارد و همین‌طور قیمت تمام اقلام بیشتر از فروشگاه‌های دیگر است».

کوجهجفری باسداران: «کارفرما می‌گوید برایش صرف ندارد»

در کوجهجفری محله باسداران، مکانی نزدیک به بیمارستان، لبافی‌نژاد ویرانه‌های یک خانه تخریب‌شده از دور نمایان است. خانه‌های اطراف نیز از انفجار موشک، آسیب‌هایی جدی دیده‌اند، ستون‌های یکی از خانه‌ها کاملاً کج شده، شیشه‌های خانه روبه‌رویی هم به طور کامل ریخته است. دو بولدوزر در محل قرار دارند؛ بولدوزرهایی که فقط در همان روزهای ابتدایی برای آواربرداری و پیداکردن جازه‌ها به کار آمده‌اند و حالا در گوشه‌های خیابان و میان چاله عمیقی که موشک ساخته، بدون استفاده قرار گرفته‌اند. «خانم آذری» که با فرزندانش ساکن این خانه بود، امیدوار است به‌زودی ساخت خانه‌شان شروع شود؛ «خانه من توسط یکی از سازندگان نامدار منطقه با بهترین مواد و متریال ساخته شده بود. من کارنمدم و با حقوق کارمندی‌ام ۱۰ سال پیش توانسته بودم این خانه را بخرم و حالا با نداشتن خانه، حقوق کارمندی کفاف زندگی اجاره‌نشینی را نمی‌دهد». در محل حادثه هنوز میل‌های نیمه‌مکشسته دیده می‌شود؛ میل‌هایی که احتمالاً متعلق به خانم آذری است: «برای خرید وسایل به ما یک بن ۲۵۰ میلیون تومانی دادند. کارت اعتباری که فقط می‌توانیم در فروشگاه‌های شهروند از آن استفاده کنیم، اما این فروشگاه هر کالایی را ۳۰ تا ۴۰ درصد گران‌تر از فروشگاه‌های دیگر می‌دهد». او از شهرداری گلایه دارد: «شهرداری برای ساخت خانه به ما گفته که فقط در دادن تراکم همراهی می‌کند اما این کار باعث می‌شود سهم ما از زمین خانه کم شود. گفته‌اند به ازای هر ساختمان سه واحد به کارفرما می‌دهند، یعنی شهرداری از سهم ما از زمین خانه‌مان، برای ساخته‌شدن خانه‌ها هزینه می‌کند». حالا در این شرایط، خود خسارت‌دیدگان باید کارفرما را پیدا کنند: «ما به هر کارفرمای معتبری مراجعه کردیم گفتند برای ما صرفه اقتصادی ندارد. برای حل این مشکل شهرداری به ما گفت که خودش کارفرمایی‌که به این ارگان بدهکارند، معرفی می‌کند تا در ازای آن بدهی‌ها و دریافت تراکم در مناطق دیگر، خانه‌سازی کنند». یکی از این کارفرماها نیز وقتی به خانه ما آمد با یک حساب سرانگشتی گفت برایش صرف نمی‌کند و خانه را نمی‌سازد». او می‌گوید که کارفرمایان می‌توانند با عددی کمتر، تراکم بخرند، به همین دلیل ساخت ساختمان‌های آسیب‌دیده سودی برایشان ندارد: «کارفرما بلد است با قیمتی پایین‌تر از عوارض خلاص شود و تراکم بخرد. تراکم‌هایی که در مناطق دیگر به آنها پیشنهاد شده، بسیار کم‌ارزش‌تر از هزینه‌ای است که برای ساخت خانه ما باید متقبل شوند».

اوین: «ارزیابی خسارت غیرمنصفانه بود»

در دوم تیرماه، اسرائیل به زندان اوین حمله کرد. در این حمله علاوه بر بخش‌های مختلفی از ساختمان خود زندان، خانه‌هایی در اطراف آن نیز آسیب‌هایی جدی دیدند. یکی از خانه‌ها، دیوار به دیوار سالن ملاقات زندان است؛ خانه‌ای که حالا بسیاری از طبقات آن با تخریب جدی روبه‌رو شده و استحکام بنا نیز از بین رفته است. «اشکان» یکی از افرادی است که واحدی در این ساختمان داشت. «پس از حمله، اجازه ندادند وارد ساختمان شویم تا وسایل باقی‌مانده‌مان را برداریم. پدر و برادرم با همان لباس خانگی خود فرار کرده بودند و همه‌چیز در خانه مانده بود. بعد از مدتی به ما گفتند شهرداری در فرودی همه خانه‌ها را جوش‌کاری کرده، خیالتان راحت باشد، بروید و بعداً برای برداشتن وسایلتان بیایید» او فرادی روز حمله، طبق قول مسئولان شهرداری، به خانه خود مراجعه کرد، اما با وضعیت نابسامانی مواجه شد: «کسی در ساختمان برای احراز هویت نبود و هرکسی می‌خواست می‌توانست وارد خانه‌ها شود. وقتی به خانه خودمان رسیدیم، دیدم کمد‌ها و کتوها باز شده و تمام طلاهای مادر مرحومم، سکه‌های پدرم و تمام اموال ما دزدیده شده است». او تأکید می‌کند که آنها با توجه به اطمینان خاطری که شهرداری برای ترک خانه به آنها داده بود، در محل نمانده بودند: «ما ۲۶ واحد بودیم، می‌توانستیم به صورت چرخشی تا صبح در محل بمانیم که چنین اتفاقی نیفتد، ولی

ویرانه‌های شهر



پیش‌از تخریب

نگذاشتند». «اشکان» و خانواده‌اش تحت تأثیر سهل‌انگاری، تمام سپرده و اندوخته خودشان را از دست داده‌اند. او درباره بازسازی خانه نیز از ارزیابی‌های نااعادانه شهرداری، می‌گوید: «ارزیابی‌های شهرداری، برای خانه من در منطقه یک ۵۰۰ میلیون تومان خسارت بود، در حالی که هیچ چیز سالمی در خانه نمانده، دیوارها کج شده‌اند، سقف ترک برداشته، کاتال کولر منهدم شده. برای بازسازی چنین خانه‌ای، ۵۰۰ میلیون تومان را مناسب دیده‌اند. درحالی‌که فقط نخاله‌های واحد را بخواهند پالین ببرند ۵۰ میلیون تومان می‌گیرند». او می‌گوید در اعتراض به این ارزیابی به سراغ یکی از مسئولان شهرداری منطقه یک رفته است: «شهرداری منطقه یک، دو مهندس را برای ارزیابی مجدد خسارت به خانه‌مان فرستادند. آن دو مهندس گفتند این خانه با ۵۰۰ میلیون تومان جمع نمی‌شود. بعد از ارزیابی خسارت توسط این دو نفر، بعد از چند روز به من گفتند برای دریافت چک به شهرداری مراجعه کنم. در شهرداری به من گفتند در ارزیابی جدید، میزان خسارت چندان تفاوتی نسبت به ارزیابی قبلی نداشته است». «اشکان» بعد از ناامیدی از مسئولان شهرداری، با طرح شکایت از کارشناسان رسمی دادگستری برای ارزیابی خسارت منزل خود استفاده کرد: «حتی در شهرداری فهرست خسارات من را ندادند که ببینم چه چیزهایی را حساب کرده‌اند. فکر می‌کنم خودشان هم این فهرست را نداشته‌اند». در همین حین، پیمانکاران شهرداری برای بازسازی مشاعات ساختمان و تخلیه نخاله‌ها شروع به کار در ساختمان آنها کردند: «شهرداری کارفرمای برای شروع بازسازی مشاعات ساختمان معرفی کرد. این کارفرما با بدترین متریال ممکن ساختمان ما را ساخت. آسانسور شش‌نفره را چهارنفره کرد، لابی ساختمان را شبیه قهوه‌خانه کاشی‌کاری کرد، در پارکینگ را به جای ریلی که از قبل بود، یک در بی‌کیفیت روی انداخته است. این کارفرما حتی هنگام تخلیه نخاله‌های پنت‌هاوس ساختمان، با پرتاب سنگ و آجر و وسایل از بالا به پارکینگ، درخت‌های ۲۵ ساله ساختمان ما را از بین برد». «اشکان» می‌گوید حالا با گذشت بیش از سه ماه از پایان جنگ، همچنان خبری از ساختن خانه آنها نیست: «از اول اقامت ما در هتل بارها تن و بدن‌مان را لرزاندند بس که گفتند باید زودتر تخلیه کنید. همین‌طور برای بازسازی خانه هیچ اقدامی صورت نگرفته، هنوز حتی پولی به من ندادند که کار شروع شود تا حداقل چند ماه بعد من در خانه خودم باشم».

پیچ شمیران: «از ما چک صیادی گرفتند»

سوم تیرماه، اسرائیل درباره حمله به منطقه ۷ تهران هشدار ی صادر کرد؛ هشدار ی که به حمله نیز منتهی شد و خانه «آقای سجادی» را از بین برد. در منطقه پیچ شمیران، نرسیده به پل چوبی، کوچه‌ای به نام نوبخت قرار دارد که در آن بر اثر اصابت موشک، چند خانه آسیب دیده و همچنان جز یریم‌های تبلیغاتی و تعدادی داربست برای تعیین حریم ساختمان و جلوگیری از حضور مردم در مکانی که ممکن است در صورت ریزش ساختمان، آوار بریزد، هیچ خبری از شروع ساخت‌وساز نیست. «آقای سجادی» می‌گوید پسرش فروشگاه لوازم اینترنتی داشت و اجناسش کاملاً از بین رفت، همین‌طور خود، رویش را از دست داد: «به ما ۲۵۰ میلیون تومان برای جبران تمام وسایل ازبین‌رفته خانه دادند که آن را هم باید برویم در فروشگاه‌های خود شهرداری خرید کنیم. یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان نیز به ما دادند که هنوز نتوانستیم خانه‌ای شبیه خانه خودمان پیدا کنیم و مجبور شدیم به خانه پدرزم در ورامین برویم». به گفته او، این پول را باید تا هشت ماه دیگر برگردانند: «از من چک صیادی گرفتند، از آن زمان سه ماه گذشته و هشت ماه بعد چک من را شهرداری پاس می‌کند». «آقای سجادی» نگران آینده و حال خود و خانواده‌اش است: «درآمد ما اتجانان نیست و ازبین‌رفتن وسایل پسرم نیز وضعیت ما را بدتر کرده است».

مجمع ارکیده، شهرآر: «گفتند اش‌الله بازسازی می‌کنیم»

«مجمع مسکونی ارکیده» در خیابان شهرآر قرار دارد. در این مجتمع نیز در همان روز ابتدایی مورد حمله قرار گرفت. در خیابان شهرآر که قدیم بزیند، از پادهاره وسیع آن می‌توانید بلوک آسیب‌دیده را ببینید؛ ساختمانی که ستون‌های آن از بین رفته، پنجره‌هایش شکسته و طبقاتش شبیه به قوطی کبریت‌هایی خالی است. مدیر این مجتمع می‌گوید: «بازسازی ساختمان شروع نشده، به ما هم گفتند فعلاً معلوم نیست چه زمانی شروع می‌شود، ولی ان‌شاءالله بازسازی می‌کنیم. حتی تخریب ساختمان نیز تا الان انجام نشده است». به گفته او، در روزهای ابتدایی بعد از جنگ تنها دور این ساختمان که نزدیک به ۱۰ نفر در اثر حمله موشکی در آن کشته شده‌اند حصار ی کشیدند و رفتند، بعد هم نیامدند تا برای باقی کارها اقدامی کنند».



پیچ شمیران، کوجهجفری

کوجه آبشوری: «برای لوازم خانه ۱۰۰ میلیون دادند»

کوچه «آبشوری» محله شهرآ را هم ساختمان‌های ویران‌شده دارد. در این کوچه که «ستاد بازسازی آسیب‌دیدگان جنگ تحمیلی» در یکی از خانه‌های آن قرار دارد، چاله بزرگی از برخورد موشک بدون هیچ تغییری باقی مانده است، همین‌طور ستون‌های یک ساختمان با موج انفجار کاملاً کج شده و چند ساختمان نیز با آسیب در نما و شیشه‌ها مواجه‌اند. روی دیوار یکی از ساختمان‌ها چند عکس و بنر چسبیده؛ عکس کودکان و جوانانی که تا پیش از این حمله در این ساختمان زندگی می‌کرده‌اند و حالا دیگر در این دنیا نیستند. در کوجه آبشوری یک سوپرمارکت و یک رستوران قرار دارد. «خانم الف» فروشنده سوپرمارکت، می‌گوید: از طرف شهرداری آمدند و ساختمانی که الان تنها یک گودال از آن باقی مانده را تخریب کردند. ولی بعد از آن دیگر کاری نکردند و آن‌طور که من شنیدم به ساکنان گفتند خودتان سازنده پیدا کنید تا بسازد». زنی میانسال گوشه خیابان نشسته، کیفی در دستش است و چهره‌ای ناامید دارد: «ما اخیراً با یک سازنده برای بازسازی خانه قرارداد بسته‌ایم، شهرداری هم گفت به جای پول قرار است تا چند روز آینده به آنها وام ودیعه مسکن بدهند تا از نمی‌خواست زیر بار تخریب ساختمان برود: «به ما گفتند خانه‌تان را با تقویت ستون‌ها و و نوسازی به‌جای تخریب تحویل می‌دهیم. ولی ستون‌های خانه ما ریخته‌اند، سقف ترک‌های بزرگی برداشته، دیوارها کج شده است. ما گفتیم بسازید و خودتان شش ماه ساکن شوید. اگر چیزی نشد من و خانواده‌ام منتقل می‌شویم». او می‌گوید قرار است تا چند روز آینده به آنها وام ودیعه مسکن بدهند تا از هتل خارج شوند: «قرار است به ۵۰۰ میلیون تومان بدهند تا خانه اجاره کنیم، البته تا تیرماه سال بعد باید پول را به شهرداری برگردانیم. به ما تأکید کردند که توقع پول دیگری نداشته باشید چون به شما مجبور تراکم رایگان داده‌ایم». شهرداری تهران درباره هزینه وسایل خانه نیز به این زن و خانواده‌اش، ۱۰۰ میلیون تومان داده است: «۱۰۰ میلیون تومان برای من چیزی نمی‌شود، فقط خرج دو قلم از لوازم منزل است. این پول را هم با منت زیاد دادند».

مجمع اساتید سعادت آباد: «مقاوم‌سازی انجام شده است»

در ساعت‌های ابتدایی حمله اسرائیل، «مجمع اساتید سور» در منطقه فرحزاد مورد حمله قرار گرفت؛ ساختمانی که منزل رئیس دانشگاه آزاد هم آنجا بود. این مکان از همان ابتدا تبدیل به یکی از نمادهای هجوم اسرائیل شد و از قابل مشاهده‌ترین مکان‌هایی است که مورد حمله قرار گرفته، چراکه شش طبقه‌اش آسیب دید؛ مقام‌های سازمان اس‌ا‌ا در این ساختمان به پایان رسیده و بازسازی واحدها باید شروع شده، روند بازسازی در این مجموعه از سایر موارد پیشرفت بهتری داشته است.

پاس‌کاری وظایف

«لف‌فاله فروزنده» معاون هماهنگی و امور مناطق شهرداری تهران ششم مهرماه اعلام کرد: «آنچه به شهرداری مربوط است، صددرصد تعیین تکلیف شده و امیدواریم برای مقاوم‌سازی و تخریب و نوسازی، مالکان سریع‌تر به نتیجه برسند. اما گفت‌وگو با آسیب‌دیدگان و نگاهی به وضعیت نابسامان ویرانه‌های باقی‌مانده در سطح شهر نشان می‌دهد شهرداری تهران در تلاش برای از سر بازکردن کاری است که به عهده‌اش گذاشته شده روی شانه‌هایش سنگینی می‌کند. پرداخت‌نکردن کامل و به‌موقع تعهدات مالی، رهاکردن آسیب‌دیدگان بین کارفرمایانی که به دنبال سود و منفعت خود هستند و برخورد سرد شهرداری با افرادی که تمام زندگی خود را بدون اینکه نقشی در این جنگ داشته باشند، از دست داده‌اند را مثالنی است که این روزها آسیب‌دیدگان جنگ ۱۲روزه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. در این میان دولت نیز با تأکید

چندباره خود بر واگذاری کامل مسئولیت و وظایف به شهرداری تهران، خود را از این غائله کنار کشیده است؛ درحالی‌که مشاهده تجربیات نسبتاً مشابه در مناطق جنگ‌زده حضور فعال دولت در فرایند بازسازی‌ها و استفاده از منابع عمومی برای کمک به آسیب‌دیدگان را نشان می‌دهد، حتی در تجربه بازسازی مناطق جنگ‌زده پس از جنگ هشت‌ساله در ایران نیز شاهد حضور کامل دولت به عنوان سیاست‌گذار و بانی این بازسازی‌ها هستیم. مداخله دولت در این وضعیت و تلاش آن برای تغییر شرایطی که شهرداری تهران برای آسیب‌دیدگان چه در تأمین منابع مالی و چه در نوع ساخت‌وساز خانه‌ها ایجاد کرده، از الزاماتی است که به دلیل حفظ منافع عمومی و کاهش رنج آسیب‌دیدگان باید صورت بگیرد.



میان هشت‌ساله تخریب

خبر روز

گروگان‌گیری و ضرب و شتم کارشناسان اورژانس در ساوه

ایستاد: کارشناسان اورژانس بار دیگر مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در این مورد، علاوه بر مردان، زنان عضو اورژانس شهرستان ساوه نیز از سوی اطرافیان یک بیمار، قربانی خشونت شدند.

روز شنبه ۱۲ مهر، دو کارشناس زن و یک کارشناس مرد در اورژانس شهرستان ساوه که برای کمک به یک مادر ۷۴ساله اعزام شده بودند، از سوی اطرافیان بیمار مورد خشونت قرار گرفتند. ابوالفضل ماهرخ، سخنگوی سازمان اورژانس کشور درباره جزئیات این حادثه می‌گوید: «شنبه ۱۲ مهرماه به ما خبر رسید در شهرستان ساوه واقع در استان مرکزی، به سه نفر از نیروهای اورژانس پایگاه زنان، شامل دو زن و یک مرد، توسط همراهان یک بیمار حمله شده است.

با بررسی‌های بیشتر مشخص شد این پرسنل توسط همراهان بیمار، برای دقایقی در منزل گروگان گرفته شده و بارها مورد توهین و خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند، به حدی که مقععه یکی از کارشناسان پرستاری، پاره شده است». او ادامه داد: «بر همین اساس به هماهنگی‌های انجام‌شده با نیروی انتظامی و قوه قضائیه، خیلی زود حکم دستگیری این ضاربان صادر و دو نفر دستگیر شدند».

ماهرخ از دستگاه قضائی درخواست می‌کند: «این پرونده به صورت فوری بررسی و برای متهمان حکم‌های بازآرنده‌ای صادر شود تا دیگر هرکسی چه به عنوان بیمار و چه به عنوان همراه بیمار، نتواند به خودش اجازه دهد که به پرسنل زحمت‌کش اورژانس توهین کرده یا حمله کند».

تقنی مظفری، یکی از کارشناسان اورژانس که در این حادثه قربانی خشونت شده در شرح ماجرا می‌گوید: «حوالی ساعت ۴ بعدازظهر روز شنبه ۱۲ مهرماه بود که مرکز دیسیج، مأموریتی با عنوان «سرگیجه» را به ما اعلام کرد، من به همراه دو همکار خانم فوراً به سمت موقعیت بیمار حرکت کردیم و در کمتر از ۱۵ دقیقه به محل رسیدیم. در محل بیمار حدوداً ۷۴ساله و چهار نفر همراه خانم نیز حضور داشتند، بیمار دچار سرگیجه شده بود، همکارانم طبق روال، علائم حیاتی بیمار را بررسی کرده و شرح حال گرفتند.

از آنجایی‌که این خانم به دلیل جابه‌جایی مایع میاننی گوش تحت درمان متخصص گوش، حلق و بینی بود و مشکل حیاتی دیگری نداشت و علت سرگیجه نیز همان مشکل گوش بود، ضمن ارائه توصیه و آموزش کافی به همراهان بیمار اعلام کردیم نیاز به اعزام به بیمارستان وجود ندارد و به پایگاه اورژانس بازگشیم».

او با بیان اینکه همه بیماران قرار نیست به بیمارستان اعزام شوند، اضافه می‌کند: «هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که به پایگاه بازگشته بودیم که مجدداً به ما مأموریتی ابلاغ شد و ما متوجه شدیم آدرس، همان محل است. ما به کارشناسان ارتباطات اعلام کردیم که شرایط این بیمار اضطراری نبوده که به بیمارستان منتقل شود؛ اما به ما گفته شد خانواده این بیمار بسیار عصبانی هستند و با فحاشی و توهین درخواست اعزام مجدد آمبولانس داشته‌اند. اما از آنجایی‌که تصور کردیم شاید علائم بیمار تغییر یافته، مجدداً به موقعیت اعزام شدیم».

او ادامه می‌دهد: «ما بعد از چند دقیقه دوباره به محل رسیدیم. من همان جلوی در، از آقاّیی که دم در ایستاده بودیم پرسیدم علائم بیمار تغییر کرده؟ و ایشان در جوابم با لحن بسیار ربدی گفتند حالا بیاید داخل. من به همراه دو همکار خانم وارد ساختمان شدیم که یک‌دفعه در را قفل و با چند نفر دیگر به ما حمله کردند. سعی کردم سیر دو همکار خانم شوم تا آنها کمتر آسیب ببینند اما آنها چهار زن و دو مرد بودند و همگی به ما حمله کردند و بخش‌هایی از بدن من و همکارانم آسیب دید و زخم شد. در این میان حتی بارها فحاشی و توهین کردند».